

هفتگی ۱۱۸

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

سردبیر خالد حاج محمدی

۱۵ اسفند ۱۳۹۰

۲۴ فوریه ۲۰۱۲

خالد حاج محمدی

انتخابات و آخرین تلاش جناحهای بورژوازی

چند روز بیشتر به انتخابات مجلس نهم نمانده است، و جناحها و جریانهای مختلف اصول گرا برای کسب بیشترین کرسی و برای فریب مردم و کشاندن آنها پای صندوق های رای به تکاپو افتاده اند. باز تخمین و حدس و باز کردن حساب بر روی شرکت مردم، براه افتاده است. خامنه ای، مهدوی کنی و روزنامه های رسمی جمهوری اسلامی، به روال همیشه از شرکت "حماسی مردم" میگویند و بازار را داغ نگاه میدارند! همه دستجات و باندهای شریک در قدرت را به مراسم تحمیق دیگری از نوع "عروج سبز" دلخوش نگاه میدارند، و به خود اعتماد به نفس میدهند. باز هم پیش پرده فریب معمولی "انتخاباتهای" جمهوری اسلامی، همچون بخش اعظم دولتهای بورژوازی، براه افتاده است. و بخش اعظم اپوزیسیون دست راستی هم، در حال شرط بندی برای رسیدن به نوایی، به این قرعه کشی امید دوخته است.

فی الحال تلاش این دوره جناحهای "مخالف" اصولگرایان برای پذیرفتن شرایط آنها و یافتن راهی "ابرومند" جهت داشتن سهمی از قدرت به جایی نرسیده است. جریانهای اصلاح طلب و شخصیت های رنگارنگ آن، این بازندگان

صفحه ۴

اطلاعیه پایانی کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

کنگره پنجم حزب حکمتیست در روزهای ۲۹ و ۳۰ بهمن ۱۳۹۰ برابر با ۱۸ و ۱۹ فوریه ۲۰۱۲ به صورت علنی برگزار شد. کنگره پنجم با فراخواندن نمایندگان کنگره چهارم حزب و به عنوان کنگره ای اضطراری جهت جوابگویی به انشقاق و معضلاتی برگزار شد که در این دوره به حزب حکمتیست تحمیل شد. در این کنگره علاوه بر نمایندگان، دهها نفر از میهمانان و اعضا و دوستانداران حزب شرکت داشتند.

کنگره با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم کار خود را آغاز کرد. کنگره بعد از تعیین هیئت رئیسه و سخنرانی افتتاحیه و گزارش مسئول برگزاری کنگره، رسماً وارد دستورات خود شد. دستورات کنگره جمعبندی از رویدادهای

اخیر در حزب حکمتیست، قرار و قطعنامه ها و انتخابات کمیته مرکزی بود. افتتاحیه کنگره را ثریا شهبانی به عنوان آخرین دبیر کمیته مرکزی حزب حکمتیست تقدیم کنگره کرد. ثریا شهبانی ضمن خیر مقدم گفتن به نمایندگان و میهمانان کنگره، در مورد دلیل پایه ای که کمونیست ها را در اجتماعاتی چون کنگره جمع میکند، صحبت کرد. در مورد نهایت خوشبختی که بورژوازی در سراسر جهان به اکثریت مردم وعده میدهد و در مقابل آن نهایت خوشبختی که کمونیست ها میخواهند، یعنی سوسیالیسم و رهایی کامل انسان از بردگی مزدی اشاره کرد. ثریا شهبانی در ادامه به حزب حکمتیست و اهداف این حزب اشاره کرد و گفت که ما، در حزب حکمتیست به چیزی کمتر از خوشبختی برای اکثریت جامعه، یعنی سوسیالیسم رضایت نمی دهیم.

دینبال خالد حاج محمدی به عنوان مسئول برگزاری کنگره، گزارشی تقدیم حضار کرد. خالد حاج محمدی اشاره کرد که با

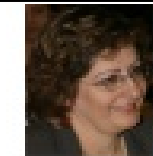
کنگره پنج حزب حکمتیست نقطه پایانی بر

یکدوره، آغازی دوباره

مصاحبه کمونیست با آثر مدرسی

کمونیست هفتگی: کنگره پنجم حزب حکمتیست تمام شد. از این کنگره به عنوان کنگره ای اضطراری برای جوابگویی به انشقاق و معضلاتی که به حزب تحمیل شد، نام برده شده است. از نظر شما کنگره چقدر به اهداف خود رسید؟

آثر مدرسی: هدف کنگره اساساً جمعبندی از رویدادهای دوره اخیر در حزب و پایان دادن به بحرانی بود که با انتشار پلانفرم هیئت دائم تشدید شد و به انشقاق در حزب و نهایتاً جدائی این رفقا از حزب منجر شد. مهمترین کار کنگره علاوه بر جمعبندی از این رویدادها، رسیدگی به



رهبری حزب را به کنگره ارائه دادیم. نمایندگان کنگره طی دو روز بحث و تبادل نظر از زوایای مختلفی این رویدادها را مورد بررسی قرار دادند. در مورد سابقه تقابل گرایشها و سنتهای مختلف در حزب در دوره های مختلف، مقاومتهایی که در دوره های مختلف در مقابل سیاستها رسمی حزب شکل گرفته و بالاخره فاصله سیاسی، فکری و حتی تشکیلاتی که میان گرایشهای مختلف در دوره اخیر بوجود آمد، بحثهای زیادی صورت گرفت. علاوه بر آن در مورد رسمیت حزب و قوانین و موازین آن، لغو سینماتیک موازین حزبی از جانب رفقای خط بازنگری، سازش و کوتاه آمدن بخشی از رهبری حزب که خود را متعهد به رسمیت حزب در همه ابعاد آن میدانستیم به تفصیل صحبت شد.

در مورد دلیل انشقاق در حزب دو فاکتور در کنگره به تفصیل مورد

صفحه ۳



خالد حاج محمدی

در لزوم ترک این دایره بسته

چند کلمه با رفقای حزبیم

دوره لااقل برای ما تمام شده است. در این پروسه ما لطمه خوردیم، طیفی از اعضا و کادرهای حزب راهی دیگر

کنگره پنجم حزب حکمتیست تمام شد. چند ماه گذشته همه اعضا و کادرهای حزب و هزاران انسان کمونیست در ایران و عراق و کردستان عراق، به سرنوشت حزب حکمتیست فکر کردند و هر کس و جریانی تلاش کرد به سهم خود، و با برداشت و عقل خود، در این پروسه دخالت کند و مانع لطمات بیشتر به حزب حکمتیست شود. با اتمام کنگره پنجم این

کارگران جهان متحد شوید!



کل نمایندگان کنگره چهارم تماس حاصل شده است، نامه ها و بیانیه ها و اسناد کنگره در اختیار همه رفقا جز یک رفیق که تماس با او حاصل نشده، قرار گرفته و همگی به کنگره فراخوانده شده اند. در ادامه اشاره کرد که، کنگره چهارم حزب ۹۳ نماینده با ۱۰۱ رای داشته است که تنها ۹۰ نفر امکان شرکت در کنگره را داشتند، ۳ رفیق دیگر بدلیل زندگی در خارج اروپا رای خود را واگذار کردند. از این تعداد ۳۵ نماینده با ۴۶ رای در حال حاضر در کنگره حضور دارند (رای ۶ نفر از رفقای نماینده که موفق نشدند در کنگره حضور یابند و رای خود را واگذار کرده بودند، توسط کنگره

صفحه ۲

نشریه حکمت شماره ۵

منتشر شد

صفحه ۵

قرارهای مصوب کنگره پنجم

حزب حکمتیست

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اطلاعیه پابانی کنگره پنجم...

پذیرفته شد). اشاره شد از میان بقیه نمایندگان ۱۰ نفر از رفقا با ۱۱ رای اعلام کرده اند که از حزب کناره گرفته و چند رفیق نیز اعلام کرده اند که علیرغم موافقت با مصوبات رسمی و خط رسمی حزب، اما بدلیل انتقاداتی که از عملکرد رهبری حزب دارند حاضر به شرکت در کنگره نیستند. در این بخش گزارش شد که دفتر سیاسی نامه ای به تک تک اعضا کمیته مرکزی در مورد وظیفه آنها برای شرکت در این کنگره و لزوم جوابگویی آنها به نمایندگان کنگره، ارسال شده است. تعدادی از رفقا به این نامه جواب داده اند که این جوابها همراه بقیه اسناد در اختیار هیئت رئیسه کنگره قرار گرفته است.

بدنبال کنگره وارد دستور اصلی خود شد. در این بخش ابتدا آذر مدرسی از طرف دفتر سیاسی گزارش این دوره اختلافات و مسائلی که حزب با آن روبرو بوده است را تقدیم کنگره کرد. آذر مدرسی در بحث خود ابتدا گزارش مفصلی از شروع اختلافات در حزب خصوصاً بعد از کنگره چهارم، از پلنوم های مختلف کمیته مرکزی، اجلاس دفتر سیاسی و مسائل مورد اختلاف در این پروسه و اقداماتی که صورت گرفته، تقدیم کنگره کرد. در ادامه به گرایشهای موجود در حزب حکمتیست، سیر تقابل این گرایشها، زمینه های تاریخی و اجتماعی آن، تاثیر شرایط و تحولات اجتماعی بیرون حزب بر توازن گرایشها موجود در حزب در همه ابعاد سیاسی فکری و تشکیلاتی پرداخت. و بالاخره در این پروسه به نقد کارکرد کلیت رهبری حزب، دفتر سیاسی و کمیته مرکزی چه در نقض موازین حزبی و چه در سازش و عدم اتکا به موازین در مناسبات حزبی و در مقابله با قانون شکنی های سیستماتیک بخشی از رهبری داشت پرداخت. گزارش توسط اعضا دیگر دفتر سیاسی تکمیل شد و از جمله به تلاشهای این دوره دو حزب کمونیست

کارگری عراق و کردستان و اعضا و کادرهای آنها و همچنین اعضا و کادرها و دستداران حزب حکمتیست و تلاش ما برای یافتن راهی اصولی برای برون رفت از این بحران و به بن بست کشیدن تمام این تلاشهای از جانب رفقای هیئت دائم پرداخته شد. در این بحث نمایندگان کنگره و تعدادی از میهمانان فعالانه دخالت کردند. هم در گزارش دفتر سیاسی و هم نمایندگان کنگره بر نکاتی جدی تاکید شد. کنگره تاکید کرد که آنچه حزب را به انشقاق، به این شکل به غایت غیر سیاسی کشاند، نه نفس اختلاف نظر بلکه زیر پا نهادن مستمر قوانین و موازین حزبی و سکوت و سازش کمیته مرکزی در قبال این وضع است. نمایندگان کنگره تاکید کردند که این اتفاق به حزب حکمتیست و اعتبار و اعتمادی که به آن بود، لطمه جدی وارد کرد. کنگره به این حقیقت یک بار دیگر انگشت گذاشت که تنها ضامن مقابله با تحمیل اینگونه انشقاقات غیر اجتماعی و غیر مسئولانه به حزب، فاصله گرفتن از سنت رایج چپ ایران، فاصله گرفتن از زندگی حاشیه ای در خارج کشور، وصل شدن حزب به پایه اجتماعی خود و ساختن حزب در جامعه ایران و بر روی زمین سفت و تبدیل شدن به یک حزب سیاسی توده ای داخل کشوری است. کنگره در عین حال تاکید کرد که جایگاه ارگانهای رهبری در این حزب بالاتر از موازین و کنگره آن نیست و حزب حکمتیست حزبی متکی به مصوبات سیاسی و قوانین حزبی است و همه مسئولین آن تابع موازین رسمی و قانونی حزب اند. نمایندگان کنگره با چشمان باز و بدور از هر نوع تعصبی مشکلات این دوره را با دقت مورد نقد و بررسی قرار دادند و تلاش کردند درسهای این تجربه را به عنوان تجربه ای تلخ بررسی و از آن بیاموزد. کنگره ضمن انتقاد جدی از رهبری منتخب خود، کل کمیته مرکزی را مسئول این وضع دانست و قراری مبنی بر توییح رسمی کلیه اعضا کمیته مرکزی و علی البدلها آن تصویب

کرد. کنگره در مقابل تعرضی که از طرف بخشی از رهبری حزب به حزب حکمتیست شده است، با اتفاق آرا از حزب و سیاستها و مصوبات آن و تاریخ ۸ ساله اش دفاع کرد. کنگره همزمان تاکید کرد که حزب باید با پشت سر گذاشتن این دوره، با اعتماد بنفس به وظایف خطیری که در پیش دارد بپردازد. و کل نیرو و امکانات خود را در خدمت کار جدی و در جهت افزایش دامنه نفوذ حزب و تبدیل حزب به حزبی قابل انتخاب و قابل دفاع برای هر کارگر کمونیست و آگاهی به کار اندازد. همچنین تاکید شد که رهبری آتی در فاصله چند ماهه باید در فکر برگزاری کنگره عادی حزب و با فراخواندن نمایندگان تشکیلاتهای مختلف حزب باشد. بعد از این مبحث یدی گلچینی به عنوان مسئول خزانه داری مرکزی حزب، گزارش کامل خزانه داری را تقدیم کنگره کرد. بدلیل استقلال خزانه داری کمیته کردستان امکان گزارشدهی از خزانه این بخش از حزب نبود طبق گزارش خزانه دار حزب از دو صندوق مرکزی حزب، صندوق لندن پس از پلنوم ۲۲ حزب تحویل رحمان حسین زاده داده شده است و همچنین کمک هزینه دو عضو هیئت دائم تا آخر ماه فوریه پرداخت شده و حزب بدهی به این رفقا ندارد. یدی گلچینی اعلام کرد که میزان کل پولی که در اختیار او است با ارقام روشن تقدیم کنگره میشود تا در مورد آن تصمیم بگیرد. کنگره از احساس مسئولیت بالای رفیق یدی گلچینی و همزمان از رفیق پری زارع به عنوان مسئول دبیرخانه حزب و جدیت او در حفظ کل اسنادی که در اختیار داشت، رسماً قدردانی کرد. آخرین دستور کنگره انتخابات کمیته مرکزی بود. در این رابطه قراری به تصویب کنگره رسید مبنی بر اینکه تعداد اعضا کمیته مرکزی باید تعدادی با وظایف روشن این ارگان و تعداد نمایندگان هر کنگره باشد. و بر این اساس وارد پروسه انتخابات کمیته

مرکزی شد و از میان کاندیداهای کمیته مرکزی ۷ نفر را به عنوان عضو اصلی کمیته مرکزی انتخاب کرد که عبارتند از رفقا آذر مدرسی، اسد گلچینی، اعظم کم گویان، امان کفا، ثریا شهابی، خالد حاج محمدی و محمد فتاحی. و همزمان دو نفر از رفقا آسو فتوحی و سهند حسینی را به عنوان علی البدل کمیته مرکزی انتخاب کرد. کنگره در بخش قرار و قطعنامه ها، تعدادی از قرارها را در دستور خود گذاشت که متأسفانه فرصت پرداختن به همه قرارهای در دستور را نیافت. قرارهای مصوب کنگره ضمیمه اطلاعیه است. کنگره با سخنرانی اختتامیه آذر مدرسی به کار خود پایان داد. آذر مدرسی در سخنان خود به جایگاه کنگره پنجم، مباحث مهمی که در آن طرح شد، به روشنی مباحثات و جدیت کل بحثها و به فضای سیاسی و پر از احساس مسئولیت آن پرداخت. آذر مدرسی در عین حال به دقت و جدیت نمایندگان در بررسی اوضاع کنونی و اختلافات در حزب، به نقد بی کم و کاست اشکالات این دوره رهبری حزب و انصافی که در کل مباحثات بود اشاره کرد و همزمان به وظایف سنگین و مهمی که در مقابل ما ست و اعتماد به نفس و تعجیلی که کنگره برای پیشبرد آنها داشت و پیامی که کنگره حزب حکمتیست در دفاع از خط کمونیستی کارگری تا کنونی خود برای طبقه کارگر و همه کمونیستها و آزادیخواهان داشت و اهمیت آن اشاره کرد. کنگره پنجم حزب حکمتیست با سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد. بعد از اتمام کار کنگره کمیته مرکزی منتخب در نشست کوتاهی به اتفاق آرا آذر مدرسی را به عنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب کرد. کمیته مرکزی تصمیم گرفت در اولین نشست فوری خود به اهم وظایف کمیته مرکزی و وظایف پیشرویی حزب بپردازد.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

قرارهای مصوب کنگره پنجم
حزب حکمتیست

۳۰ بهمن ۱۳۹۰ - ۱۹ فوریه ۲۰۱۲

قرار شماره ۱

کنگره پنجم حزب حکمتیست مسئولیت رویدادهای اخیر در حزب را تماماً بر عهده کمیته مرکزی حزب میداند. کمیته مرکزی نه تنها یکی از وظایف خود یعنی پاسداری از مصوبات و مقررات حزب است را نادیده گرفت، بلکه در طی سه پلنوم در زیر پا گذاشتن موازین و مقررات حزبی شرکت همگانی کرد و عملاً حزب، به عنوان مجموعه ای تابع قانون و

مقررات مصوب منحل شد.

از این رو کنگره همه اعضا و علی البدلهای کمیته مرکزی را رسماً توییح میکند.

قرار شماره ۲

تعداد اعضا کمیته مرکزی بنا به تعریف باید معادل پستهای مرکزی حزب باشد و در هر حال نمیتواند بیش از ۱۰ درصد نمایندگان کنگره باشد. این کنگره استتاً ۷ نفر را به عنوان کمیته مرکزی انتخاب میکند.

قرار شماره ۳

کنگره از کمیته مرکزی میخواهد کمیسیونی را برای به روز کردن اصول سازمانی حزب و تهیه اساسنامه حزب انتخاب کند. این کمیسیون پیشنهاد خود را تقدیم کنگره آتی

حزب خواهد کرد.

قرار شماره ۴، در تائید سیاستهای تا کنونی حزب

کنگره پنجم حزب حکمتیست یک بار دیگر بر سیاستها، مصوبات و جهتگیریهای تا کنونی حزب به عنوان سیاستهای کمونیستی تاکید میگذارد و بر آن پافشاری میکند.

قرار شماره ۵، در دفاع از حزب حکمتیست

کنگره پنجم حزب حکمتیست تلاش هیئت دائم برای تغییر استراتژی حزب از طریق تصویب غیر قانونی، "پلاتنوم سیاسی عملی هیئت دائم"، را تعرضی آشکار به سیاستها و مصوبات و هویت متمایز حزب، دور زدن کنگره حزب بعنوان عالیترین مرجع تصمیم

گیری در حزب و اعلام رسمی خروج این جمع از حزب میداند. کنگره پلنوم غیر قانونی این جمع را اعلام رسمی حزب دیگری میداند.

قرار شماره ۶، قدردانی از مسئول خزانه داری حزب

کنگره پنجم حزب حکمتیست از یدی گلچینی به عنوان مسئول خزانه داری حزب و دقت و احساس مسئولیت او قدردانی میکند.

قرار شماره ۷، قدردانی از مسئول دبیرخانه حزب

کنگره پنجم حزب حکمتیست از پری زارع برای حفظ اسناد و مدارک حزب و تقدیم آن به دفتر سیاسی قدردانی میکند.

مصاحبه با آذر مدرسی..

بحث قرار گرفت. فاکتور اول زیر پا نهاده شدن موازین و مصوبات رسمی بود.

کل نمایندگان کنگره توافق داشتند که چیزی که حزب را به این شکل با خطر اضمحلال روبرو کرده وجود اختلاف سیاسی و حتی صرف وجود سنتهای متفاوت در حزب، که زیر پا گذاشته شدن انضباط و پرنسیپهای حزب و تمام تضمینهای قانونی برای اجرای این موازین از جانب عالیترین ارگانهای حزب و رهبری حزب، کمیته مرکزی، بود. نقض موازینی که قاعدتاً باید با تنبیهات تشکیلاتی تا سر حد اخراج از حزب پاسخ میگرفت. متأسفانه این نقض موازین فقط با اعتراض وانتقاد ما پاسخ گرفت. تأکیدات جدی شد مبنی بر اینکه زمانیکه بخشی از رهبری حزب برای به اصطلاح حفظ وحدت حزب و یا نقیضت بگویم حفظ چهره متحد حزب از بی پرنسیپی تشکیلاتی و نقض موازین و خروج بخش دیگر رهبری از انضباط حزبی گذشت میکند، عملاً یکی از مهمترین وظایف خود را بعنوان رهبری انجام نداده و در نقض این موازین شریک است.

یکی از مباحث مهم این کنگره و دستاوردهای آن، تأکید مجدد بر رسمیت حزب در همه وجوه سیاسی و تشکیلاتی به معنی رسمیت سیاستها، ارگانها و قوانین آن بود. اینکه پافشاری بر انضباط، موازین و قوانین حزبی به اندازه پافشاری بر سیاستهای رسمی برای یک حزب سیاسی جدی هویتی است. اینکه همانقدر که کوتاه آمدن در مقابل نقض سیاستهای یک حزب توسط یک فرد یا ارگان یا جمعی، را سازش سیاسی و دفاع نکردن از حزب باید دانست. به همان اندازه کوتاه آمدن در مقابل هر اقدام غیر قانونی و نقض موازین حزبی هم سازش سیاسی و باز کردن گارد حزب در مقابل سنتهای سیاسی و گرایشهای دیگر و کوتاهی در دفاع از هویت یک حزب کمونیستی است. تجربه این دوره نشان داد که دفاع از حزب بدون به کار بردن تضمینهای اساسنامه ای برای مقابله با بی انضباطی غیر ممکن است. این درجه از انضباط ناپذیری و لایقیدی در قانونی عمل کردن، این درجه تغلل در دفاع از قوانین و انضباط حزبی در تاریخ حزب حکمتیست بیسابقه بود. این عقیدتی بود که در دوره گذشته به حزب تحمیل شد. به نظر من یکی از درسهای مهم ایندوره پابندی جدی به موازین حزبی و قانونیت حزب بود.

فاکتور دوم که مورد بحث قرار گرفت بررسی دلایل سیاسی این نوع

انشقاقات در حزب و در حزب حکمتیست بود. در این زمینه هم به درجه بالائی همنظری وجود داشت. در کنگره در مورد سنت و پایه اجتماعی کل جریانات موسوم به حزب در ایران، سنت ویژه ای که در حزب حکمتیست هم ریشه و پایه دارد به تفصیل صحبت شد. سنتی که امکان میدهد حزب به این راحتی دوشقه شود. در این رابطه بحثهای خوبی در مورد خصوصیت و ویژگی احزاب در تبعید و خصوصیات ویژگی که چنین احزابی دارند، شد. اینکه احزاب چه در تبعید در حقیقت به سرپناهی برای فعالین سیاسی حزب و باسابقه تبدیل شده اند. در مورد سنت چه حاشیه‌ای صحبت شد که زندگی و فعالیت حاشیه‌ای در خارج کشور سناریوی زندگی اش است و آنرا تئوریزه میکند، تعرض به این زندگی حاشیه‌ای را تعرض به کمونیسم و چه میدانند و در مقابل هر تغییری در این نحوه زندگی و فعالیت احساس خطر و تهدیدی در از دست دادن سرپناه خود، مقاومت میکند. این مقاومت طبیعتاً در هر جریانی شکل و تبلور خود را دارد.

این مقاومت در حزب حکمتیست پرچم دفاع از مباحث، حزب و قدرت سیاسی، و حزب و شخصیتها، را بلند کرد. سنت چه حاشیه‌ای در حزب حکمتیست با علم کردن این دو بحث در واقع سنگر دفاع از خود را محکم میکرد. حزب و شخصیتها به حزب و من به عنوان شخصیت، حزب و میدیای آن تبدیل شد. نمونه بارز این مقاومت را در مباحث مربوط به تحزب کمونیستی از جانب رحمان حسین زاده و حسین مرادیگی میشد مشاهده کرد.

در این رابطه یکبار دیگر بر اینکه یک حزب کمونیستی کارگری نمیتواند پس از سالها فعالیت به پایه اجتماعی خود وصل نشود، نمیتواند حزبی داخلی کشوری نباشد و کماکان ادعای حزبی کمونیستی کارگری اجتماعی را داشته باشد تأکیدات زیادی شد. بهم زدن یک حزب آنهم به این شکل آن در احزابی متکی به پایه اجتماعی خود به شدت سخت و تقریباً غیر ممکن است. ببینید اگر ما در کنار کمیته‌های حزبی که موضوع کارشان داخل ایران است و اساساً در خارج کشور تشکیل داده ایم کمیته سنج، تهران، ذوب آهن، نفت، پتروشیمی، کمیته شیراز و اصفهان و را در ایران داشتیم هیچ جمعی نمیتوانست چنین بحرانی را به حزب تحمیل کند و آنرا تا حد چنین انشقاق عمیقی بکشاند. بازی کردن با چنین حزبی برای هیچ فرد و جمعی آسان نیست. همانطور که در دوره ای که موجودیت اجتماعی و سازمانی حزب در داخل ایران چنان قوی بود که این مقاومتها اساساً به شکل غرولند آنهم در

محافل ابراز وجود میکرد. در کنگره اول حزب و پس از آن ما شاهد همین جنس از مقاومت بودیم اما بدلیل موجودیت قوی اجتماعی حزب در آندوره به خروج ناراضیان از حزب منجر شد و حزب با چنین مخاطره‌ای روبرو نشد.

تضمین جلوگیری از تکرار چنین انشقاق و بحرانی نه تزکیه نفس تک تک ما، نه عدم اعتماد به افراد، بلکه تلاش برای تبدیل شدن به آن حزب اجتماعی مرتبط به موضوع کار خود و حزبی کارگری کمونیستی است. حزبی که عمیقاً و واقعاً متکی به مصوبات سیاسی و قانونیت خود است.

نمایندگان کنگره بدون سرسوزنی امتیاز دادن به رهبری حزب از هر جناحی به این مسائل پرداختند و کل رهبری حزب را مورد انتقاد قرار دادند. در این کنگره سرسوزنی اثری از نسبیت سیاسی و امتیاز دادن به همنظرهای سیاسی دیده نمیشد. نمایندگان کنگره با روشنبینی به کل رویدادها پرداختند و قضاوت کردند و با جسارت تصمیم گرفتند.

این کنگره کنگره شیطان سازی از عده‌ای و قهرمان سازی از تعدادی دیگر نبود. کنگره شادی از دست دادن دیوار نفرت درست کردن از رفقای که تا دیروز در کنار ما بودند نبود. کنگره آژیتاسیون کردن علیه مخالفین سیاسی خود و یا نفرین کردن دیگران و لهله کردن و تعریف از خود نبود. کنگره ای بود با تمام شاخصهائی که حزب حکمتیست تا امروز با آن شناخته شده است. کنگره ای که منصفانه و با چشمان باز به حزب و رهبری آن نگاه کرد، به نقد کارکرد کل رهبری حزب پرداخت و نقش کل این رهبری را در بوجود آمدن این اوضاع بررسی کرد. کنگره ای بود که واقعبینانه و به دور از هر فضای اخلاقی و غیر سیاسی به لطماتی که حزب در این دوره دید نگاه کرد و تلاش کرد ضمانتهائی را برای ممانعت از تکرار چنین سناریویی بوجود آورد.

کنگره بر تأثیرات مخرب این انشقاق در درون حزب و همچنین بر اعتبار حزب حکمتیست آگاه بود. این سوال که چه تضمینی وجود دارد که یکبار دیگر چنین بحرانی به حزب تحمیل نشود، سوال بخش وسیعی از اعضا، کادرها و دستداران این حزب است. یکی از تأثیرات مخرب این دوره در حزب لطمه خوردن اعتماد به رهبری حزب در این دوره است اختلافات سیاسی را به طرق سیاسی حل و فصل کند و در عین حال متکی به موازین و مقررات کار کند، بود.

وجه دیگر تأثیرات مخرب این انشقاق

در ابعاد اجتماعی آن است. به خطر انداختن حزبی که سرمایه طبقه کارگر و تنها امید حزب و کمونیسم در ایران است، قطعاً به اعتماد طبقه کارگر و بویژه به اعتماد کارگران کمونیست به حزب حکمتیست لطمه میزند. کارگران کمونیست، رهبران کارگری که در چند سال گذشته حزب حکمتیست را در جنگ روزمره شان علیه بورژوازی، از جمهوری اسلامی تا چپهای لیبرال در اپوزیسیون، در کنار خود دیدند حق دارند با دیدن خطر اضمحلال حزب آنهم به این شکل و از جانب بالاترین مراجع آن تأمل کنند.

جلب اعتماد مجدد به حزب و رهبری آن چه در سطح اجتماعی و چه در سطح حزب در صدر اولویتهای کمیته مرکزی منتخب کنگره پنج است.

نتیجه کل مباحث کنگره را میتوان بطور ویژه در سه قرارصوب زیر دید. قرارداد مورد مسئولیت جمعی کلیه اعضا کمیته مرکزی در قبال این وضعیت، قرا، در تأیید سیاستهای تا کنونی، که در حقیقت جوابی به تغییر ریلی است که جمع خط بازنگری خواهان آن هستند و بالاخره قرار، در دفاع از حزب حکمتیست، که قطعیت دادن به خروج هیئت دائم از حزب بود.

کمونیست هفتگی: کنگره حزب کل کمیته مرکزی را مسئول این وضع دانست و به همین دلیل همه اعضا و علی البدلهای کمیته مرکزی را توبیخ کرد. چرا کل کمیته مرکزی، در شرایطی که کمیته مرکزی از اعلام پلاتنرم هیئت دائم و تغییر ریل حزب بعد از انتشار آن رو به بیرون مطلع شده است؟

آذر مدرسی: اتفاقاً در این مورد هم در کنگره بحث و سؤال شد. ببینید نمایندگان کنگره چهار حزب ۴۸ نفر را بعنوان رهبری حزب انتخاب کردند. وظیفه این ۴۸ نفر رهبری حزب طبق سیاستهای تعیین شده تا کنگره چهار و دفاع از حزب و حفظ و پاسداری از تمام دستاوردهای سیاسی و تشکیلاتی این حزب بود. اینکه این رهبری منتخب چه نوع تقسیم کاری را در میان خود انجام داده‌اند تأثیری در اینکه کل اعضا کمیته مرکزی در مقابل کنگره مسئولیت جمعی دارند نمیدهد. این یکی از پرنسیپها و قوانین حزب ما است که اعضا یک کمیته در قبال عملکرد کمیته مسئولیت جمعی دارند.

حتماً در شرایط عادی تری میشد کمپسونی برای رسیدگی به تخلفها تشکیل داد و هر فردی را مستقلاً و با اتکا به اعمال فردی اش مواخذه یا تنبیه تا حد اخراج از حزب کرد. اما حتی در این شرایط هم علاوه بر توبیخ همه

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

مصاحبه با آذر مدرسی..

در زندگی سیاسی حزب حکمتیست پس از کنگره پنج اشغال خواهد کرد.

دنیائی کار در مقابل ما است. باید راهی که حزب تا کنگره چهار آمد و نیمه تمام ماند را ادامه داد. تأمین حضور حزب

در جدالهای سیاسی بخصوص در ایندوره حساس و تعرض بیسابقه بورژوازی جهانی به طبقه کارگر در ایران از یکطرف و سکوت و مامشات بخش اعظم اپوزیسیون از طرف دیگر، سازمان دادن مجدد حزب و فعالیتهای آن، جلب اعتماد مجدد جامعه و در راس آن طبقه کارگر و کارگران کمونیست به حزب، رفتن سراغ جدالهایی که باید بعنوان یک حزب کمونیستی در آن شرکت کنیم. این ها دنیائی کار است که فقط با معطوف شدن به جامعه و جدالهای موجود در آن میتوان پیش برد نه از کنال جدال با هیئت دائم. ملاک و محک موفقیت ما و پشت سر گذاشتن ایندوره و ایفای نقش در جدالهای امروز و آتی طبقه کارگر است نه پیروزی ما بر هیئت دائم یا هر جریان و جمع دیگری.

طبیعتاً هر جریانی به حزب حکمتیست حمله کند پاسخ مناسب خود را خواهد گرفت. تفاوتی نمیکند این جریان نئوتوده ایها باشند یا احزاب موسوم به کمونیست کارگری یا جمع هیئت دائم. اما همانطور که گفتیم این مشغله جدی و اصلی ما نخواهد بود. هر چند این جمع و دوستدارانشان لجن پراکنی کنند، کمپین شخصی راه بیندازند و تلاش کنند تحریک احساسات کنند رفقای ما نباید تحریک شوند، نباید به دامن مباحث نازل و غیر سیاسی سقوط کنند، میدان مبارزه ما و روش ما توهین و افترا و مبارزه در دنیای مجازی و فیس بوکی نیست.

تجربه نشان داده که این نوع، مبارزه سیاسی، دوره ای دارد و گذار است. پس از مدتی که گرد و خاکها بخوابد، همه بغض و کینه ها خالی شده باشد، این سیاست است که دوباره تعیین کننده می شود. آنوقت سیاست روشن، کمونیستی و کارگری در مقابل کل بورژوازی است که در میان جامعه و طبقه کارگر گوش شنوا پیدا میکند و حزبی با چنین سیاستهایی شانس قوی شدن و زدن مهر رادیکال به تحولات سیاسی جامعه را خواهد داشت.

ما زمانی کم و دنیائی از کار داریم و جامعه و طبقه کارگری که تشنه آزادی و رهائی است و هر روزه برای آن مبارزه میکند. اولویت ما مرتبط شدن مجدد ما به این واقعیت عظیم و ایفای نقش در جدالهای طبقاتی پیش رو است. کنگره سوت شروع ایندوره را زد.

اعضا کمیته مرکزی حتما در مورد تعدادی از اعضا رهبری تنبیهات شدیدتری تا حد اخراج اتخاذ میشود.

کمونیست هفتگی: هنوز خیلی ها از مضمون اختلافات اطلاع روشنی ندارند. با این وصف با چه مشکلاتی طرف هستید و چه مسائلی در مقابل حزب حکمتیست است. برخورد شما با هیئت دائم و حزب آنها چه خواهد شد؟

آذر مدرسی: بطور واقعی درجه و مضمون اختلاف با سیاستهای رسمی حزب هنوز از طرف جمع خط بازنگری روشن نشده است. اینکه آینده سیاسی این جریان به کجا کشیده می شود هنوز باز است. چیزی که مسلم است این است که این عده با سرعتی باورنکردنی دارند به آغوش چپ سنتی پناه میبرند. راهی جز این ندارند. شما نمیتوانید علیه یک خط کمونیستی- کارگری به ایستید و دست در انبان جریانات سنتی تر نکنید. با انتشار پلانفرمشان لشگری از مخالفین و دشمنان حزب از اقدام، انقلابی، هیئت دائم در تقابل با سیاستهای تاکتونی حزب، حمایت کردند. آن ها را به مخالفت قاطع تر با موجودیت و گذشته و سیاستهای حزب، به فاصله گرفتن از خط کورس مدرسی، و به جدا شدن از حزب حکمتیست تشویق کردند. بخشی از جریاناتی که به نوعی تاریخ مشترکی با ما دارند، آن ها را دعوت کردند تا به احزاب یا محافظشان بپیوندند. خلاصه طیفی از جریانات برایشان کیسه دوخته اند و چراغ سبز نشان میدهند.

آنها طی همین سه ماه گذشته فاصله عمیقی از موجودیتی که جامعه بعنوان حزب حکمتیست میشناسد، و در حقیقت گذشته خود، گرفتند. نه فقط سیاست و تغییر ریلی که در پلانفرمشان یا اطلاعاتیه هایشان مشاهده می شود بلکه سنت و فرهنگ سیاسی که در برخورد به مخالفین سیاسی خود دارند عمق فاصله را نشان میدهد. فشار عاطفی به افراد، جو سازی، شایعه پراکنی، تحریک، اهانت به افراد، مارک زدن، شیطان سازی، نفرت پراکنی، جعل واقعیات، از جمله شیوههایی است که این جمع به آن متوسل شده اند. کنگره پنج از این زاویه هم فاصله عمیق این جمع را با سنت موجود حزب حکمتیست نشان داد. این کنگره نقطه پایانی بود بر یکدوره بحرانی و آغازی برای باز گرداندن حزب به فعالیتهای مشغله های اصلی اش.

با تمام شدن کنگره پنج حزب کار اصلی ما شروع شده است و هیئت دائم و مشغله هایشان جای بسیار کوچکی را

انتخابات و آخرین تلاش...

مربوط است و نه دعوائی بر سر بی حقوقی آنها است. تاریخ سی ساله گذشته جامعه ایران، تاریخ حاکمیت جناحهای مختلف از اصولگرا و اصلاح طلب تا سبز و لیبرال است، و تاریخ بردگی بخش اعظم جامعه برای گردش تولید سرمایه به قیمت فقر و محرومیت طبقه کارگر و اقتشار زحمتکش آن جامعه است.

جدال و دعوی میان جناحهای مختلف بورژوازی ایران برای سامان یافتن تولید سرمایه و سازماندهی قدرت هر بخش، سهم طبقه کارگر و بخش اعظم جامعه، همانی است که در سی سال گذشته شاهد آن بوده ایم. تا جایی که به طبقه کارگر ایران برگردد، "لیبرال"

ترین و "دمکرات" ترین جناح بورژوازی ایران، چیزی جز دیکتاتوری و اعمال بردگی و محرومیت را در چنگ ندارد. در این جامعه به حکم نیاز سرمایه و کارکرد آن، نیروی کار ارزان و محرومیت مطلق طبقه کارگر از ابتدائی ترین حقوق اولیه، همراه با استبداد عریان برای به تمکین کشاندن این طبقه و قبول بردگی که برایش ساخته اند، بخشی جدا نشده از سرمایه و کارکرد آن است.

لذا با هر انتخابی در میان همه جناحها و احزاب و جریانات بورژوائی، سهم طبقه کارگر همان است که در این سی سال و در دهها سال پیشتر از جمهوری اسلامی، به این طبقه رسیده است.

انتخابات با پیروزی این یا آن جناح از دشمنان ما به پایان میرسد! این جدال در میان طبقه استثمارگر ربطی به جدال ما علیه سرمایه ندارد. بهبود در زندگی مردم در این جامعه، گشایش سیاسی و کم شدن بار مشقات و استبداد حاکم، تنها و تنها به قدرت متحد و متشکل طبقه کارگر و به میزان زور و توان این طبقه در مقابل کل این صف مربوط است. و در غیاب چنین آمادگی و چنین قدرت و توانی، هر نوع امید و انتظاری، تنها باعث قوی تر شدن

زنجیر بردگی است که به گردن میلیونها انسان کار کن این جامعه تنیده اند.

جدال قبلی بر سر قدرت که تا اطلاع ثانوی علیرغم میل شان ناچار به "ترک خدمت" شده اند، موضع مضحکی اتخاذ کرده اند. این پهلوان پنبه های اصلاح نظام، بر این دوره انتخابات مجلس در کمال شجاعت مهر

"غیر آزاد و غیر دمکراتیک" زده اند! و کل این جبهه از خاتمی، تا رهبران جنبش سبز و شورای راه سبز امید، و طیفهای مختلف آن، از احزاب اپوزیسیون تا ... شعار "تحریم" انتخابات را بلند کرده اند.

جناحهای مختلف در حاکمیت و بیرون حاکمیت، شرکت کنندگان و تحریم کنندگان، همگی شعار دفاع از انقلاب اسلامی و قانون اساسی آن را در دست دارند. در دنیای واقعی، اختلافات این جناحها چیزی جز تلاش هر کدام برای سهم بیشتری از قدرت و ثروت جامعه نیست. آنها با همه احزاب و شخصیتهای خود، جناحهای مختلف بورژوازی ایران را نمایندگی میکنند. اختلاف میان آنها و وعده "بهبود در زندگی مردم" و "آزادی انتخابات"، ابزار بیان منافع هر جناح به زبانی است که توده کارگر و زحمتکش جامعه را فریب دهند.

غرومند رهبران جناح اصلاح طلب و اعلام نارضاقتی از اینکه "انتخابات دمکراتیک" نیست و...، چیزی جز بیان اعتراض آنها به سهم خود در قدرت و موانع زیادی که در مقابل ورود خودشان به مجلس می بینند نیست. کاری که در طول حیات جمهوری اسلامی از جانب جناحهای در قدرت همیشه علیه دیگران بکار رفته است. جنبش سبز بر همین اساس تلاش میکند روی نفرت مردم از جمهوری اسلامی و نارضاقتی میلیونها انسان کارگر و زحمتکش آن جامعه از سهم خود در زندگی، سرمایه گذاری کند.

در دنیای واقعی اما جنگ و جدال بخشهای مختلف بورژوازی ایران و احزاب و جریانات نماینده آنها، نه به آزادی کارگر و جوان و زن آن جامعه

آزادی، پراپری، مرگ بر جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

www.hekmatist.com

مرگ بر جمهوری اسلامی!

در لزوم ترک این دایره بسته...

توزی و نفرت پراکنی نداریم، ما در چنین مراسمی که در چپ رایج است شرکت نمیکنیم. سیاست را با نفرت از دیگران و دق دل خالی کردن، نمیشود پیش برد، و شخصیت شکنی رفقای تا کنونی ما، کار ما نیست، سنت ما نیست، و ما اکیدا در این مراسمی مسموم شرکت نمیکنیم. مهم این است ما دنبال تیله انداختن رفقای دیگر و شیطان سازی های آنها نرویم، به این احتیاجی نداریم، این فضا مجازی، غیر سیاسی و بشدت مسموم است. نباید وارد آن شد، باید از این دنیا فاصله بگیریم و با این سنت خداحافظی کنیم.

و در جدال و صف بندیهای جامعه کجا خواهند ایستاد. در این مسیر و بر مبنای نقشی که در آن جامعه عملا خواهند داشت، هر جا لازم شد در موردشان چیزی بگوئیم و اظهار نظری کنیم، دستمان باز است. اما این دیگر نباید به مشغله ما تبدیل شود. ما برای این رفقا آرزوی موفقیت داریم، امیدواریم چپ بمانند و از گذشته خود فاصله نگیرند. این دیگر انتخاب آنها است.

اینکه در این میان هنوز کم نیستند رفقای که انتخاب نکرده اند، تردیدی نیست و اینکه ما در قبال آنها مسئولیت داریم، باز جای تردید نیست. اما دنیای بیرونی، توقعی دیگر از ما دارد. چرخیدن در این دایره بسته، به خود مشغولی و فراموش کردن وظایفی که بر دوش ما است، جایز نیست. حزب حکمتیست باید راه خود را طی کند و به وظایف مهم خود بپردازد.

این مدت را مجبور بودیم که به اختلافات درونی و تلاش برای یافتن راه حلی متمنانه بپردازیم. در این راه کوشیدیم و این دوره دیگر باید به گذشته سپرده شود. تمایلات بخشی از رفقا که امروز خط خود و راه خود را جدا کرده اند، تحریک احساسات از جانب آنها، بحثهای غیر سیاسی و سطح پایین که شاهدش هستیم، و تبدیل آنها به دنیای سیاست و فعالیت، تبدیل آنها به مشغله ما و دنیای مجازی اینترنت و فیس بوک و... را باید یکسره بایگانی کرد. هر کس میخواهد با اینها زندگی کند، هر کس میخواهد به جای بحث جدی و کار جدی در این دوره بماند و نیروی خود، حزب خود و جریان خود را با کینه از ما متحد کند، امر خودش است. برای ما جای تاسف است و متأسفانه اراده دیگران دست ما نیست. متأسفانه در تمام این مدت بخشی از تبلیغات رفقای جناح هیئت دائم شیطان سازی، بغض و کینه و نفرت پراکنی از ما بود. ما تلاش کردیم تا جایی که حرف شنوی از ما هست، مانع فضای غیر سیاسی و مانع بگویم با این رفقا و فضای ساخته از جانب آن رفقا شویم. ما نه کسی را شیطان میدانیم و نه کسی را قهرمان. ما احتیاجی و نیازی به ایجاد فضای کینه

در آن جامعه دمار از روزگار کارگر در آورده اند. بیکاری و گرانی به بهانه تحریم زندگی مشقت باری را به طبقه کارگر و میلیونها انسان تحمیل کرده است. خطر جنگ و فضای جنگی چون پتکی بالای سر میلیونها انسان است و از این فضا جمهوری اسلامی برای عقب راندن اعتراض مردم معترض استفاده میکند. در این اوضاع بخش اعظم اپوزیسیون، از راست ترین تا "چپ ترین" جریانات، بادبان کشتی خود را به نقش دول غربی بسته اند. چپ ترین آنها امید وارند از جنگ غرب با جمهوری اسلامی برای خود کلاهی بدوزند. و در این فضا همه چیز جز آزادیخواهی و برابری انسان نمایندگی میشود. در این صف، نه تنها ابتدائی ترین حقوق انسان فراموش شده است، بلکه هر نوع احساس انسانی، احساس همدردی، همسرنوشتی و

اومانیزم رخت بر بسته است. این اگر مشکلاتی واقعی در این دوره به ما اوضاع و دفاع از منفعت کارگر و تحمیل شد و لازم و ضروری بود به آن انسان دردمند آن جامعه بر دوش ما و همه کارگران کمونیست و همه کنگره، باید پایان این دوره را عملا کمونیستهای ایران است. از این وظیفه نباید غفلت کرد، هیچ بهانه ای برای عدم جوابگوئی به این نیاز و این وظیفه جایز نیست.

باید سرها را برگرداند و متوجه جامعه شد، متوجه معضلاتی شد که در مقابل ما و طبقه ما و همه کمونیست ها و آزادیخواهان آن جامعه قرار دارد. باید تلاش کرد حزب حکمتیست به مسائلی بپردازد که حزب را برایش ساختیم.

حکمت

کارگران جهان متحد شوید!

بهمین ۱۳۹۰
فوریه ۲۰۱۲

سردبیر: امان کفا
صفحه آرا: فواد عبدالهی

نشریه ای تئوریک - سیاسی از حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

کوروش مدرسی: اصول فعالیت کمونیستی، اسد گلچینی: بررسی و نقد شکل های موجود فعالین کارگری، ژریا شهایی: سرمایه داری ایران، دو نقطه عطف مهم تاریخی، مصاحبه با اعظم کم گویان: سکولاریسم حقوق زنان، تعابیر و واقعات، بهرام مدرسی: بهمین شفیق و بازگشت به پوپولیسم سال ۵۷، آذر مدرسی: منصور حکمت، مبارزه طبقاتی، جنبش ها و احزاب، گفتگو با ریپوار احمد: درسها و دستاوردهای انقلاب تونس و مصر، امان کفا: نقاط اشتراک بورژوازی علیه طبقه کارگر، نقاط اختلاف درونی آن علیه هم، خالد حاج محمدی: حزب کمونیستی طبقه کارگر یا سیاست انتظار، کوروش مدرسی: تولد تئو توده ایسم در سیاست ایران، آذر مدرسی: حزب کمونیستی طبقه کارگر و چپ غیر کارگری، ژریا شهایی: عروج و افول جنبش سبز، بیتابیه دفتر سیاسی: در دفاع از موجودیت حزب و سیاست های مصوب تاکنونی آن، نامه دفتر سیاسی به رفقای رهبری حزب کمونیست کارگری عراق و حزب کمونیست کارگری کردستان: پایان یک دوره تلاش، کوروش مدرسی: حزب حکمتیست یک دفتر سیاسی دارد، دبیر کمیته مرکزی: کدام معجزه از کدام ناجی، سلمان کریم: پارانی بی ابر و حمله ای به هر دو حزب، امان کفا: از وحدت طلبی تا وحدت اراده، آذر مدرسی: تلاش برای تغییر ریل حزب حکمتیست، بهرام مدرسی: پلانورمی برای بازگشت به بستر اصلی چپ بورژوازی، خالد حاج محمدی: مضمون اختلاف و جایگاه پلانورم هیئت دائم، اسد گلچینی: درباره اختلافات در حزب حکمتیست، ریپوار احمد: کینه نوزی چپ سنتی درباره فراخوان اصغر کریمی، محسن کریم: چند کلمه درباره مواضع ما راجع به کشمکش های داخلی در حزب حکمتیست، مظفر محمدی: تخطی کننده از قانون نمی تواند درس قانون بدهد

منصور حکمت

ناسیونالیسم چپ و کمونیسم طبقه کارگر

اومانیزم رخت بر بسته است. این اگر مشکلاتی واقعی در این دوره به ما اوضاع و دفاع از منفعت کارگر و تحمیل شد و لازم و ضروری بود به آن انسان دردمند آن جامعه بر دوش ما و همه کارگران کمونیست و همه کنگره، باید پایان این دوره را عملا کمونیستهای ایران است. از این وظیفه نباید غفلت کرد، هیچ بهانه ای برای عدم جوابگوئی به این نیاز و این وظیفه جایز نیست.

باید سرها را برگرداند و متوجه جامعه شد، متوجه معضلاتی شد که در مقابل ما و طبقه ما و همه کمونیست ها و آزادیخواهان آن جامعه قرار دارد. باید تلاش کرد حزب حکمتیست به مسائلی بپردازد که حزب را برایش ساختیم.

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی
www.hekmatist.com

هفتگی

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

طبقه کارگر، بر خلاف کلیه طبقات فزودست در تاریخ پیشین جامعه بشری، نمیتواند آزاد شود بی آنکه کل بشریت را آزاد کند.

از: یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

زنده باد سوسیالیسم